

سفر دو روزه آقای محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری، به امارات متحده عربی، همسایه جنوبی ایران، بسیار مورد توجه محافل داخلی و خارجی قرار گرفت. از همین رو نگاهی همه جانبه به ابعاد این سفر، به ویژه در مقطع کنونی، حائز اهمیت فراوان است.

امارات هفت گانه

امارات هفت گانه عربی متحده به لحاظ تاریخی و جغرافیایی و پیوندهای طبیعی و ریشه‌ای با ایران همواره برای کشورمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. مساحت امارات حدود ۷۷ هزار کیلومتر مربع است و در جایگاه چهارم تولیدکنندگان نفت اوپک قرار دارد. این کشور با دارا بودن ۹۸ میلیارد بشکه ذخیره نفتی، از ۱۰

درصد ذخیره جهانی این ماده حیاتی در صنعت و زندگی روزمره کره خاک برخوردار است. همچنین با ۲۱۲ تریلیون فوت مکعب گاز، معادل ۳/۵ درصد ذخایر جهانی گاز را داراست و از این جهت دارای مقام پنجم جهانی است.

رشد اقتصادی ۶۷٪ در صدی امارات در سال ۲۰۰۵ (قبل از انفجار قیمت جهانی نفت) درآمدهای آن معادل ۲۲ هزار دلار برای جمعیت ۳/۸ میلیونی آن به ارمغان آورده است.

تولید ناخالص داخلی امارات برابر با ۱۲۲/۳ میلیارد دلار با ۴۵ درصد وابستگی به صادرات نفت و گاز است. از طرفی امارات مجموعاً با ۱۰۵ میلیارد دلار صادرات جایگاه مهمی نیز در صادرات مجدد به کشورمان برابر ۷ میلیارد دلار به عهده گرفته است. تا جایی که برخی علاقه دارند امارات را گلوگاه جنوبی تجاری ایران نام بنامند. در واقع بسیاری از کالاهای مورد نیاز کشورمان با شرایط آسان و سرعت مناسب از طریق امارت دبی رهسپار کشورمان می‌شود.

ایران و امارات

این در حالی است که قاچاق کالا از امارات متحده، بویژه دبی، به مقصد کشورمان نقش مهم و غیر قابل چشم پوشی در اقتصاد دو کشور ایفا و در عین حال آمار



بهمن آقارونی

به بهانه سفر رئیس جمهور اسلامی ایران به امارات متحده عربی

نگاهی از زاویه دیگر

تأمین ۲۵ درصد کالاهای وارداتی آن شامل ۵۰ درصد بنزین وارداتی و بخش‌های مهمی از ماشین‌آلات و وسایل الکتریکی وارداتی ایران و از جمله بسیاری از اقلام صادراتی آمریکا در اسناد گمرکی را بنام خود ثبت کرده است.

در پی تحولات پس از انقلاب اسلامی به صورت طبیعی نقش کشورمان در حوزه‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی نزد کشورهای حوزه خلیج فارس کاملاً متفاوت از گذشته شده و گسترش یافته است. نیاز امنیتی امارات عربی متحده به رویکرد کشورمان در ایفای نقشی مثبت و موثر در منطقه موضوعی حیاتی برای آن کشور است؛ چندان که تداوم رقم ۱۰ میلیارد دلار تبادلات اقتصادی و بازرگانی میان دو کشور، که همچنان رو به افزایش است، کاملاً وابسته به تأمین شرایط

و ملاحظات امنیتی منطقه از سوی ایران است. از طرفی آمار و ارقام بالا بر تأثیر متقابل و رو به افزایش راهبردهای بازرگانی و مالی امارات بر اقتصاد و مبادلات کالا و اتباع با ایران تأکید دارد. در سالهای آینده نیز لازم است دو کشور از جهت گیری مثبت تحولات روابط فیما بین مطمئن باشند و نسبت به تأمین ساز و کار مناسب آن اندیشه کنند.

حضور بیش از ۴۰۰ هزار ایرانی در امارات هفت گانه و بیشتر در دبی (حدود ۳۳ درصد جمعیت) و علاوه بر آن ثبت ۷ هزار شرکت بازرگانی ایرانی در دبی و منطقه آزاد جبل علی حکایت از تثبیت روابط و تبادلات اقتصادی میان دو کشور همسایه دارد.

کارشکنی آمریکا

مؤلفه‌های فوق به افزایش توجه و حساسیت منطقه‌ای و بین‌المللی نسبت به این روابط انجامیده است. بی‌جهت نیست که هرگونه تهدید یا اظهار به تهدیدی در منطقه از استقبال آمریکا، به عنوان یک مداخله‌گر فرامنطقه‌ای، برخوردار می‌شود. آمریکایی‌ها مسئول و مأمور ترساندن منطقه و سپس حافظ ترس به وجود آمده هستند. تهدید امنیت تنگه هرمز همواره با ورود شمار بیشتری از ناوها و هواپیماهای جنگی این کشور به خلیج فارس همراه بوده است. تصمیم امارات از احداث خط

مبادلات تجاری را دچار ابهام می‌کند. برای مثال در حالی که بر اساس آمار گمرک ایران میزان صادرات امارات به کشورمان در سال ۱۳۸۵ از رقم ۵۹۸ میلیون دلار فراتر نمی‌رود، اما این رقم تنها حدود یک پانزدهم رقم واقعی صادرات امارات و امارت دبی به کشورمان است. این بدین معنی است که امارت دبی عمدتاً واسطه صادرات کالای مجدد از مراکز و قطب‌های بزرگ اقتصادی دنیا به ایران است.

روشن است که از این راه ثروت و امکانات بزرگی نصیب امارات می‌شود. موفقیت و تجربه بزرگی که چندی است سایر شیخ نشین‌های خلیج فارس را به تکاپوی اتخاذ شیوه‌ای مشابه و ایجاد مناطق آزاد داشته است. مقصد و بازار بزرگ این مناطق، ایران و آسیای میانه خواهند بود. قطر، کویت و عمان مدتی است گام‌های جدی در این راه برداشته‌اند.

وجود ۶ هزار لنج ایرانی و تبادلات سنتی و همیشگی کالا از طریق این لنج‌ها نه تنها سبب ایجاد یک حوزه اقتصادی و امنیتی در خلیج فارس برای کشورمان شده است، بلکه موضوع تبادل کالا و انسان بین دو طرف آب را به امری روزمره در زندگی بیشتر مردم مرزهای جنوبی ایران تبدیل کرده است.

آمار بازرگانی فروردین ماه سال جاری نشان می‌دهد امارات با جذب ۲۰ درصد کالاهای صادراتی ایران و

خودی خود هیچگاه از آن منتفع نشده است.

۴. اساساً مسئله امارات، موضوع جزایر و اختلاف ارضی با ایران نیستند! اختلافات جدی ارضی این شیخ نشین با عمان و عربستان و نحوه رویکرد به آن موید این امر است.

یک فرصت

با بهره‌گیری از این تجارب و بر اساس توافق قبلی دو طرف، مقامات امارات از طرح ادعاهای کهنه در سفر اخیر رییس جمهور پرهیز کردند تا وجه مثبت سفر تحت تاثیر و سوء استفاده دیگران قرار نگیرد. امروزه روابط، منافع و علائق کشورها صاف بر اساس اختلافات ارضی تعریف نمی‌شود. روابط و نزدیکی غیر منتظره چین و هند، سوریه و ترکیه، روسیه و ژاپن، و هند و پاکستان نمونه‌های تغییر و تحول در الگوهای سیاسی و روابط بین الملل معاصر است.

در سال‌های اخیر طرف اماراتی با آگاهی از فشار آشکار و علنی آمریکا برای تخریب روابط ایران و اعراب، و از جمله امارات به واسطه برنامه هسته‌ای ایران، خویشتنداری را بر رفتارهای احساساتی و تحریک آمیز خود به بهانه موضوع جزایر ترجیح داده است. تحریرات آمریکا تا جایی پیش رفت که نخست وزیر رژیم اسرائیل اغوا گرایانه به دعوت از اعراب منطقه برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران پرداخت. هر چند اقدام‌ها و واکنش‌های بزرگان اعراب در تعدیل این روند تاکنون موثر بوده است.

موضوع دیگر، توجه به رویکرد نظام‌های حاکم بر کشورهای عربی است. این نظام‌ها که بیشتر بر گرایش‌های قومی و ناسیونالیستی و امنیتی متمرکز و بر اساس آن تعریف می‌شوند نسبت به رویکرد دولت‌های غیر عرب منطقه و اتباع آن‌ها بسیار حساس هستند. از این روزمان و فرصت سفر رییس جمهور به امارات به سود تقویت اعتماد و اطمینان بیشتر نزد طرفین است و همین باعث افزایش ضربات اطمینان‌آبخیز و سرمایه‌های ایرانیان مقیم در امارات هفت گانه می‌شود.

نقل قول بی‌دری اظهارات رییس و مؤسس فقید امارات، مرحوم شیخ زاید، دایر بر اینکه «اماراتی‌ها سفر لجن‌های ایرانی را در گذشته‌های نه چندان دور و سخت به سواحل امارات متحده برای رساندن آذوقه و کالاهای مورد نیاز ساکنان هیچگاه فراموش نخواهند کرد»، نشانه مستحکم و زیبایی از ریشه دار بودن علائق دو کشور و دو ملت است. علائق و ریشه‌هایی که نباید تحت تاثیر موضوعات عمدتاً سیاسی و تبلیغاتی قرار گیرد و، تحدید و مشروط شود. ●

ادعاهای امارات

اما مسئله‌ای که دو کشور پس از انقلاب اسلامی بر سر آن اختلاف دارند ادعای امارات علیه جزایر ایرانی در خلیج فارس است. این ادعاها و تأکید سیاسی، حقوقی و تبلیغاتی آن در طول نزدیک به سه دهه به اندازه کافی در روابط میان دو کشور تاثیر داشته است. موضوعات زیر در این باره در خور توجه اند:

۱. به لحاظ حقوقی هر قدر امارات عربی برای تحقق ادعای خود هزینه بیشتری صرف کرده، فشار بیشتری وارد آورده و سعی در کسب حمایت منطقه، اعراب و حتی اروپا و ژاپن داشته است، کمتر نتیجه گرفته و هیچ منبع معتبر و موثر حقوقی و بین‌المللی حاضر به پذیرش دعوای مذکور، که زمینه تاریخی و حقوقی مناسب و معتبری ندارد، نشده است. در واقع در این سه دهه حمایت حقوقی و بین‌المللی منطقی و طبیعی از ایرانی بودن جزایر به عمل آمده است.

امارات با آگاهی از فشارهای آمریکا برای تخریب روابط ایران و اعراب خویشتنداری را بر رفتارهای احساساتی و تحریک آمیز ترجیح داده است

۲. با توجه به اینکه هر تحول احتمالی در زمینه جزایر ایران به تغییر توازن قوا و بروز تنش، هر چند موقت، در منطقه می‌انجامد، و نتیجه آن تهدید و افزایش خطر نسبت به عرضه انرژی و توسعه در منطقه است، جامعه بین‌الملل و قدرت‌های بزرگ هیچگاه رویکرد امارات را منطقی ندانسته و آن را مناسب حال منطقه تفسیر نکرده اند.

۳. اما در بعد تبلیغاتی، امارات هر از چندی به طرح دعوا در مجامع بین‌المللی و بیشتر عربی اقدام کرده است. حاصل این اقدام، همان‌طور که یک بار سفیر سابق آمریکا در ابوظبی با استقبال از آن یاد کرد فقط حفظ فشار تبلیغاتی علیه ایران و استقبال و بهره‌برداری غرب از این تحریرات خواهد بود؟ موضوعی که امارات به

بوله نفت به خارج از آب‌های خلیج فارس و آن سوی تنگه هرمز، که هزینه هنگفتی خواهد داشت، صرفاً نتیجه تهدیداتی است که هر از چند گاه در این آبراه حیاتی بروز رخ مینمایند. و لذا انرژی نیز همچون موجودیت اسرائیل در خاورمیانه نیاز به تهدیدات دایمی برای سو داگری، دخالت‌ها و تنفس و تحرک نظامی ساخت نظامی - نفتی در ایالات متحده دارد. که پرهیز از استفاده از ادبیات تهدیدآمیز به اعتماد سازی درازمدت در منطقه و کاهش مولفه‌های تحریک آمیز منجر خواهد شد.

افزایش خطر تروریسم و افراط‌گرایی، مخصوصاً پس از ظهور و سقوط طالبان و حادثه ۱۱ سپتامبر و بحران رو به گسترش در عراق به تقویت موقعیت امنیتی و نظامی ایران در منطقه منجر شده است. در عین حال رویارویی آمریکا با کشورمان در موضوع هسته‌ای و نقش رو به افزایش کشورمان در سراسر منطقه به دخالت روزافزون آمریکا در امارات عربی و تشدید نقش کنترلی، امنیتی و اطلاعاتی آمریکا در دبی و سایر امارات این کشور انجامیده است. نتیجه این فعل و انفعالات و رویارویی، افزایش نگرانی‌ها و نیز احتیاط جدی مقامات امارات و منطقه برای حفظ توازن در منطقه است. آمریکا در امارات دارای سه پایگاه نظامی است.

نیکلاس برنز معاون وزیر امور خارجه آمریکا در مقاله اخیر خود در بوستون گلوب به صراحت می‌نویسد: باید این را متذکر شویم که خلیج فارس دریاچه ایرانیان نیست، بلکه محلی است که متحدان ما در آن حضور دارند و آبراهی بین‌المللی است.

این اظهارات بیان‌رسانی از تحریک کشورهای ساحلی منطقه علیه یکدیگر است. در واقع منشاء بروز بخشی از مشکلات و سوء اعتمادها در منطقه، تفاوت افکار و رویکردها و ادبیات کشورهای منطقه نسبت به یکدیگر است و بخش دیگر نتیجه راهبرد قدرت‌های خارجی در چگونگی بهره‌برداری از این تفاوت‌ها و نگرانی‌ها در جهت منافع دراز مدت خود و سیطره بر منطقه، تفاوت‌ها و نگرانی‌های نوع اول در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی تا حد زیادی کاهش یافت و همین امر به کاهش چشمگیر زمینه‌های دخالت و ترساندن منطقه از یکدیگر منجر شد. آمریکا در این دوران با بیشترین مشکل و موانع برای پیشبرد سیاستهای خود و اختلال در روابط منطقه روبه‌رو گردید.

سقوط صدام حسین، به عنوان خطر واقعی منطقه، یک حاصل همین تغییر رویکردها و اعتماد نسبی، متقابل و اجتناب‌ناپذیر بازیگران به یکدیگر بود. این مسیری است که دولت‌های ایران همواره باید آن را مورد دقت و توجه قرار دهند.